

An Examination of the Structure of the Daftar-e Sarreshteh in the Qajar Bureaucratic System

Mohsen Momeni¹ , Tohid Malekzadeh Dilamghani²

1. Associate Professor, Department of History, Faculty of Letters and Humanities, University Urmia, Iran (corresponding Author). m.momeni@urmia.ac.ir

2. Assistant Professor, PhD Candidate in Islamic History of Iran, Faculty of Letters and Humanities, Urmia, Iran. tohidmelikzade@yahoo.com

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received: 17 September 2025

Received from revised: 15 November 2025

Accepted: 7 August 2026

Available online: 1 September 2026

Keywords:

Faryad Newspaper;

Urmia;

Constitutionalism;

Azerbaijan.

Introduction

Urmia, the second-largest city in Azerbaijan, experienced a period of considerable political and social upheaval during the Constitutional Revolution. The Faryad newspaper, the first reputable nationalist publication in Urmia, played a significant role in disseminating the modern political and social ideas of the time. Urmia was the first city in the Qajar domains to have its own newspaper, despite not being the provincial capital.

The first issue of the newspaper was published on 21 Muharram 1325 AH / 14 Esfand 1285 SH, while its twenty-third and final issue appeared on 6 Dhu al-Qa'dah 1325 AH / 25 Tir 1286 SH. Following the bombardment of the Majles and the consolidation of power by state-backed opponents of the Constitutional movement, the Faryad newspaper, like other nationalist publications, ceased publication as the constitutional order was disrupted.

For a considerable period, the central concern of numerous treatises, books, and periodicals was the Constitutional movement and the examination of its nature. In fact, the meaning of constitutionalism, its interpretation and explication, and even legal notions such as the demand for rights, the protection of rights, and dozens of other demands remained unclear in public forums, periodicals, and public discourse in the absence of a clear definition of its nature and mechanisms of implementation. Even interpretations and readings of constitutionalism varied across different regions, particularly in Azerbaijan, with Tabriz as its principal center and regional centers such as Rasht, Zanjan, Urmia, Ardabil, and Qazvin, in contrast to cities such as Isfahan. This was because Azerbaijani constitutionalism was, on the one hand, directly influenced by the two Social Democratic schools of thought in Baku and Tiflis, which drew their intellectual inspiration from Russia, and, on the other hand, was shaped by the ideas of the Ottoman Union and Progress movement. Research Questions: What were the principal demands of Urmia's constitutionalists? How did these demands evolve, as reflected in the Faryad newspaper? More broadly, what did the people of Urmia seek during the

Momeni, M. (2026). *ite this article: Momeni, M. (2025). A Critical Analysis of the Political and Social Demands of the Constitutionalists of Urmia: Focusing on the Faryad Newspaper*, 5(1), 5-22. *Journal of Documentary and Archival Studies*.



© The Author(s) retain the copyright.

Publisher: The Organization of Libraries, Museums and Documents Center of Astan-e Quds Razavi.

DOI: <https://doi.org/10.30481/psa.2026.567211.1113>

Constitutional period?

Research Methodology

This study employs a qualitative historical approach, drawing primarily on archival issues of the Faryad newspaper and supplemented by relevant published library sources.

Research Findings

In the early twentieth century, the Constitutional movement and the idea of a more equitable distribution of power between the state and the nation gave rise to significant political and social transformations in Qajar Iran, the Ottoman Empire, and even Russia. In its early stages, constitutional discourse remained broad and relatively unspecific, centering on notions such as progress, prosperity, the protection of rights, welfare, security, reform, the establishment of the National Consultative Assembly, well-being, the interests of the state and the nation, the public good, and the major and essential needs of the people. In fact, principles and concepts such as constitutionalism, the demand for rights, the protection of rights, and dozens of other terms were repeatedly invoked in forums, associations, and periodicals, yet remained broadly formulated and undefined in terms of their practical mechanisms of implementation. Gradually, more complex demands articulated by both constitutionalists and secularists were incorporated into the discourse. In Azerbaijan, these demands found expression in other freedom-oriented formulations, including “herald of reform,” “advocate of progress,” “patriotism,” “freedom of expression,” and “love of the homeland,” as reflected in the Faryad newspaper. Threats from factions opposed to the armed struggle of Urmia’s constitutionalists led to a marked shift in the content of the Faryad newspaper from issue no. 13 onward. Unlike the earlier issues, its coverage thereafter contained few references to the principal demands and fundamental principles of constitutionalism. Instead, the newspaper largely focused on reports of border clashes with the Ottoman Empire and the ongoing confrontations and skirmishes between Kurdish tribal groups and the armed constitutionalist forces in western Azerbaijan.

An examination of all 23 issues of the Faryad newspaper reveals that, amid these political and social transformations, several factors—including the lack of uniformity in popular demands, the ruling authorities’ resistance to curtailing their absolute power, armed conflicts that approached the scale of a civil war between the constitutionalists and government forces, tribal Kurdish uprisings, and the broader deterioration of security in western Azerbaijan, particularly in Urmia and Salmas—contributed to the marginalization of the initial principles of constitutionalism in the region



کالبدشکافی مطالبات سیاسی- اجتماعی مشروطه خواهان اورموی (با تأکید بر نشریه فریاد)

محسن مؤمنی^۱، توحید ملک‌زاده دیلمقانی^۲

۱. دانشیار، گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، ارومیه، ایران (نویسنده مسئول).
۲. دانشجوی دکترای تاریخ ایران اسلامی، گروه تاریخ، ارومیه، ایران.

چکیده

اطلاعات مقاله

نوع مقاله:

پژوهشی

تاریخچه مقاله:

دریافت: ۱۴۰۴/۰۶/۲۶

بازنگری: ۱۴۰۴/۰۸/۲۴

پذیرش: ۱۴۰۵/۰۵/۱۶

انتشار: ۱۴۰۵/۰۶/۱۰

کلیدواژه‌ها:

مشروطه،

نشریه فریاد،

ارومیه،

سیاسی،

اجتماعی.

در اوایل قرن بیستم میلادی، جنبش مشروطه خواهی در ایران، خواهان برقراری عدالت و تقسیم قدرت در جامعه قاجاری بود. این جنبش جهانی که در عثمانی و سایر ممالک آسیایی و حتی در روسیه هم منجر به تحولات سیاسی- اجتماعی گردید، در ایران نیز در شاکله سیاست، توازن قدرت و حاکمیت قانون دگرگونی‌هایی ایجاد کرد. در طی این تغییر و تحولات به سبب عدم یکدست بودن مطالبات مردمی و مقاومت هیئت حاکمه برای تعدیل قدرت مطلقه خود، تنش‌های مسلحانه در حد جنگ داخلی بین ملیون و دولتیان به وقوع پیوست که باعث به حاشیه رفتن اصول اولیه مشروطه خواهی شد. پژوهش حاضر با روش و رویکرد توصیفی-تحلیلی در پی آن است تا بر اساس تحلیل محتوای مطالب نشریه فریاد، مطالبات مشروطه-خواهان ارومیه را بیان نماید. سؤال اصلی پژوهش، بر اساس مطالب نشریه فریاد این است که مشروطه خواهان ارومیه چه مطالباتی داشتند و خواسته‌های مشروطه خواهان ارومیه در طول زمان چه تغییراتی یافت؟ یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد مردم ارومیه از همان اوایل مشروطه خواهی همچون سایر مردمان آذربایجان و سراسر ایران درخواست‌های اساسی چون آزادی، حریت، حق و حقوق ملی و غیره داشتند که این درخواست‌ها در نشریه فریاد ارومیه انعکاس یافت، اما به تدریج با تضعیف اقتدار دولتی و طغیان عشایر مرزنشین، درخواست‌های مشروطه-طلبانه اهالی ارومیه به درجه چندم مطالبات مردمی نزول کرد و به تدریج اولویت مطالبات، حفظ امنیت گردید.

استناد: کالبدشکافی مطالبات سیاسی- اجتماعی مشروطه خواهان اورموی (با تأکید بر نشریه فریاد). ۵۰ (۱)، ۲۲-۵۰. پژوهشنامه مطالعات اسنادی و آرشیوی.

<https://doi.org/10.30481/psa.2026.567211.1113>



© نویسندگان.

ناشر: سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی

مقدمه

در دوران مشروطیت، شهر ارومیه به عنوان دومین شهر بزرگ آذربایجان، روزهای متلاطمی را تجربه کرد. نشریه فریاد به عنوان اولین نشریه ملی در ارومیه، ناشر افکار مدرن سیاسی و اجتماعی آن روزگار بود. با انتشار این نشریه، ارومیه اولین شهر ممالک محروسه قاجار بود که با وجود مرکز ایالت نبودن، صاحب نشریه می‌گردید. اولین شماره این نشریه در ۲۱ محرم ۱۳۲۵ ق و بیست و سومین یعنی آخرین شماره آن در ۶ ذی قعدة ۱۳۲۵ ق چاپ شد. عدم تداوم چاپ این نشریه همچون سایر نشریه‌های ملی، به علت اختلال در امور مشروطیت، با به توپ بستن مجلس و قدرت یافتن مستبدین دولتی مخالف مشروطه بود. توجه به مشروطیت، بررسی ماهیت آن تا مدت‌های مدیدی مورد بحث رساله‌ها، کتب و نشریات مختلف بود و درک معنای آن، تفسیر و تأویل مشروطه و حتی اصطلاحات حقوقی چون مطالبه حقوق، حفظ حقوق و ده‌ها درخواست دیگر بدون تعریف ماهیت و مکانیزم اجرایی در محافل، نشریه‌ها و افواه عمومی در حالهای از ابهام قرار داشت. حتی تفسیر و تأویل‌های مختلف در حوزه‌های مختلف مشروطه‌خواهی مخصوصاً آذربایجان (به مرکزیت تبریز و زیرشاخه‌های رشت، زنجان، ارومیه، اردبیل و قزوین) با حوزه‌های دیگر همچون اصفهان نیز متفاوت بود، زیرا مشروطه‌خواهی آذربایجان به طور مستقیم تحت تأثیر دو مکتب فکری سوسیال‌دموکرات باکو و تفلیس، تغذیه فکری شده از روسیه و از سوی دیگر اتحاد و ترقی عثمانی بود. سؤالات اصلی پژوهش عبارت است از این‌که مشروطه‌خواهان ارومیه چه مطالبات و خواسته‌هایی از مشروطه داشتند؟ بر اساس مطالب نشریه فریاد، مطالبات مشروطه‌خواهان ارومیه چه تغییراتی یافت؟ اصولاً درخواست‌ها و مطالبات مردم ارومیه دوران مشروطه چه بود؟

پیشینه پژوهش

در مورد مشروطه‌خواهی مردم آذربایجان پژوهش‌های گوناگونی انجام شده است، اما در بیان خواسته‌های مشروطه‌خواهی شهر ارومیه با تکیه بر مطالب نشریه فریاد پژوهش مستقل و جامعی صورت نگرفته است.

روش پژوهش

روش و رویکرد پژوهش حاضر توصیفی-تحلیلی با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و مدارک آرشیوی است.

اهداف مشروطه‌خواهان ایران

سیستم حکومتی سلطنتی در غرب از نظر ماهیت تفاوت بسیار با سیستم حکومتی سلطنت در شرق داشت. (طاهری، ۱۳۹۳: ۲۲۴) در شرق قدرت شاه مطلق بود و در دوران حاکمیت ناصرالدین شاه قاجار با رونق رفت‌وآمد به باکو، تفلیس و استانبول، اهالی ایران خصوصاً آذربایجانی‌ها با مفاهیم جدید آزادی آشنا شدند. در آن دوران اگرچه ناصرالدین‌شاه درصدد تعدیل حکومت مرکزی و اصلاح امور دولتی بود و در ۱۲۷۵ ق دستور ایجاد دیوانخانه‌ای منظم در آذربایجان را صادر کرد و مقررات مدون ۴۵ ماده‌ای تحت عنوان «دستورالعمل رئیس و امنای آذربایجان» تنظیم گردید (سرداری نیا، ۱۳۷۷: ۲۲)، اما این مظفرالدین شاه، بود که فرمان اعطای مشروطه به تاریخ ۱۴ جمادی الثانی ۱۳۲۴ ق را صادر نمود. مشروطیت به طور کلی یک نهضت بزرگ و بسیار مثبت بود که ایران را از یک دوران به عصر دیگری انتقال داد و به کل از خودآگاهی ایرانیان خصوصاً آذربایجانی‌ها نشأت گرفته بود. (رضوی، ۱۳۸۳: ۱۷۲) مشروطه‌خواهی عنوانی کلی بر خواست‌های مردمان ایران عصر مظفرالدین شاه بود که در ابتدا بر تأسیس عدالتخانه و عدلیه (ناظم الاسلام کرمانی، ۱۳۸۷: ۳۰۴؛ کسروی، ۱۳۸۱: ۷۱) متمرکز بود که در نهایت این خواست‌ها در تأسیس مجلس متبلور شد. محمدعلی شاه معتقد بود که مشروطه‌خواهان نمی‌توانند مملکت را اداره کنند و می‌گفت: «انجمن آذربایجان چه

از جان من و دولت ایران می خواهد؟ مگر می شود به آن واحد و یک لحظه اینجا را ژاپن و فرانسه کرد. کی توانسته که من نتوانسته ام؟» (سالور، ۱۳۷۴: ۱۹۷۱) سلطان عثمانی هم همچون محمدعلی شاه معتقد بود که مملکت با سیستم سلطنت مشروطه نمی تواند اداره شود. (Kocatürk, ۱۹۵۴: ۲۹۰) با این حال، مقاومت مردم آذربایجان به ثمر نشست و کارشکنی محمدعلی شاه شکسته شد. (جمشیدیان و همکاران، ۱۳۹۵: ۳۸) دولت آبادی معتقد است که اعلان مشروطه در عثمانی سبب رشد مشروطه خواهی ایرانیان گردید. (دولت آبادی، ۱۳۳۰: ۲۷) حتی بعدها خلع سلطان عثمانی توسط مجلس مبعوثان (Çifçi, ۲۰۱۸: ۸۸) سبب شد تا مشروطه خواهان ایرانی نیز با حمله به تهران محمدعلی شاه را از قدرت خلع نمایند.

اهداف مشروطه خواهان در آذربایجان

حکومت طولانی مظفرالدین میرزا در آذربایجان ولیعهد نشین هم مرز با عثمانی و روسیه (صادقی، ۱۳۹۴: ۹) فواید فراوانی داشت که تنها یک مورد آن تمکین به خواست مردم بود. از اوایل تحركات مشروطه خواهی، سوسیال دموکرات های باکو با مشروطه خواهان آذربایجان اظهار قرابت فکری می کردند (تقی زاده، ۱۳۷۹: ۲۲۹)، به طوری که استقبال باشکوه اهالی باکو از نمایندگان تبریز نشان دهنده رابطه تنگاتنگ انقلابیون سوسیال دموکرات و انجمن بود. (حسن زاده، ۱۳۸۶: ۲۷) حتی ورود باشکوه نمایندگان آذربایجان به باکو را تداعیگر ورود نمایندگان مارسل (ژاکوبن ها) به پاریس دانسته اند. (تقی زاده، ۱۳۹۴: ۱۳۳) گزارش هایی از کمک های مادی میلیونرهای آذربایجانی آن سوی ارس نظیر حاجی زین العابدین تقی یوف و تسلیحاتی مرتضی مختاروف به حرکت مشروطه خواهی موجود است. (تقی زاده، ۱۳۷۹: ۱۱۵) با ورود عناصر رادیکال عضو گروه های سوسیال دموکرات روسیه از منطقه قفقاز به آذربایجان، جنوب ارس، روند مشروطه خواهی تغییر کرد. (تقی زاده، ۱۳۹۴: ۱۶۱؛ جعفریان، ۱۳۸۵: ۷۳) مشروطه خواهی آذربایجان تحت نفوذ عناصر خشونت طلب سوسیال دموکرات قرار گرفت. (همان: ۳۲) خودسری ها و مداخلات بی مورد مشروطه خواهان در امور مدیریت شهری (آجودانی، ۱۳۸۵: ۲۳)، حکومت دوگانه ای در ایران به وجود آورده بود که می توانست در آیندهای نزدیک باعث تخریب نام مشروطیت شود. (احتشام السلطنه، ۱۳۶۶: ۶۷۸)

تشکیل کمیته های انقلاب و آمادگی برای درگیری های مسلحانه در منطقه قفقاز روسیه برمی گردد به جنگ داخلی ارمنه و ترکان آذربایجانی مشهور به جنگ ارمنی-مسلمان در ۱۹۰۵م که طی آن، قوای ارمنی به سبب برخورداری از تشکیل قوی مسلح (اردوبادی، ۱۳۷۲: ۲۱۳) هزاران نفر از ترکان مسلمان را کشتند. (تقی زاده، ۱۳۷۹: ۱۴۸) ترور شاه در دوشانتپه توسط حیدرخان عمو اوغلی و نیز قتل صدراعظم اتابک به دستور حوزه مخفی اجتماعیهون عامیون یا سوسیال دموکرات ها بود. (شیخ الاسلامی، ۱۳۶۸: ۱۰) با وجود رفتارهای تند مشروطه خواهان آذربایجانی، انجمن تبریز به نوعی در پی تغییرات اساسی در ساختار حکومت ایران قاجاری بود و تمام کارکردهای ویژه یک نهاد مدنی را به مرحله اجرا درآورد. (عزیزی، ۱۳۸۵: ۵۶) اسناد عثمانی هم شکایت هایی از اقدامات کمیته های انقلاب در شهرهای آذربایجان دارد. به ادعای این اسناد کمیته انقلاب خوی «گویا متشکل از برخی طرفداران جاهل و مجاهد و کاسب نظام مشروطه است [...]». (حضرتی، ۱۴۰۰: ۱۶۲) رفتارهای تند مشروطه خواهان در آذربایجان سبب شد تا غالب روحانیون طراز اول و دوم تبریز برخلاف علمای سایر بلاد، نه تنها با مشروطه مخالفت کردند، بلکه حتی در قالب «انجمن اسلامی» علیه مشروطه خواهان سکولار گرد آمدند. (جعفریان، ۱۳۸۵: ۳۳) این اولین جدایی روحانیون از مشروطه خواهان بود که از تبریز آغاز شد و به تهران نیز رسوخ کرد. (کسروی، ۱۳۸۱: ۲۴۸) گویا جنبش مشروطه و تحول خواه آذربایجان در گذر زمان شدیداً تغییر هویت داده و در مراتب مختلف خود را به اندیشه های غیردینی و لائیک نزدیک کرده بود. (جعفریان، ۱۳۸۵: ۶۲) مشروطه خواهان برای حفظ پایگاه مردمی خود، مکرراً جهت پاک کردن اتهام غیرمذهبی و حتی غیردینی خود، از اصطلاحات و واژه های اسلامی

نظیر «مجاهد» هم استفاده می‌کردند. فرقه اجتماعيون عاميون در برخی از اعلامیه‌ها و نشریه‌هایشان خود را «اجتماعيون عاميون مجاهدین ایران» یا تنها «فرقه مجاهد» می‌نامیدند. (جمشیدیان و همکاران، ۱۳۹۵: ۳۸)

عنوان مجاهد خلاصه شده و در مواردی سرپوشی بود بر سوسیال دموکرات یا اجتماعيون عاميون بودن افراد (آدمیت، ۱۳۵۵: ۱۸؛ رائین، ۱۳۵۸: ۱۲۳؛ یزدانی، ۱۳۸۸: ۴۵؛ تقی‌زاده، ۱۳۹۴: ۱۲۵؛ ۱۳۷۹: ۲۳۴) که اعضای برجسته آن نظیر حیدرخان عمو اوغلی (رائین، ۱۳۵۸: ۷۲) پس از ورود به آذربایجان در تبریز شبکه‌ای از اعضای بومی فعال و مهاجر از آن سوی ارس سوسیال دموکرات را سازماندهی کردند. (ملک‌زاده، ۱۴۰۱: ۱۹۶؛ حسن‌زاده، ۱۳۹۲: ۴۲) اگرچه بسیاری از اعضای این حزب هنوز هم در باکو و تفلیس مانده و به نفع مشروطه‌خواهان آذربایجان فعالیت داشتند. (روستملی، ۱۳۹۷: ۱۱) از درون این تشکیلات هم مرکز غیبی تبریز ایجاد شد. (غلامی، ۱۳۹۵: ۷۷) اگرچه در اوایل کار مابین تشکیلات محلی تبریز و سوسیال دموکرات‌های مهاجر اختلافات شدیدی رخ داد و سوسیال دموکرات‌های مهاجر از انجمن غیبی تمکین نمی‌کردند، اما در نهایت این انجمن غیبی تبریز بود که رهبری کل جریان‌های مشروطه‌خواه آذربایجان را عهده‌دار شد. (سرداری‌نیا، ۱۳۶۳: ۲۳۴) در مرامنامه سوسیال دموکرات‌ها شدت عمل و انقلابی‌گری مشهود است. رسول‌زاده نیز در تنقید محافظه‌کارانی که حول اجتماعيون - عاميون بودند رساله‌ای نوشته و با آوردن تجربیات تاریخی بر انقلابی‌گری تأکید می‌نماید. (اتحادیه، ۱۳۶۱: ۶۱) بعدها از ائتلاف این سازمان‌ها و احزاب، حزب دموکرات ایران به وجود آمد که البته ماهیتی سرمایه‌داری داشت. (زمانی، ۱۳۸۲: ۷۹-۸۰)

از سوی دیگر افکار انقلابيون آذربایجان به اندیشه‌های انقلابی عثمانی متصل بود و از منابع فکری و لجستیکی عثمانی نیز استفاده می‌کردند. حتی تجربیات عثمانی‌ها در قانون اساسی ۱۸۷۶م که توسط تجددگرایان عثمانی در ۱۹۰۸م احیا گردید (حضرتی، ۱۳۸۹: ۳۲۳)، به نوعی رایگان در اختیار مشروطه‌خواهان آذربایجانی قرار گرفت. به‌طور مثال، اسماعیل ممتازالدوله از خاندان سرشناس افشار آذربایجانی که مدتی سفیر ایران در استانبول نیز بود در جریان بسط‌نشینی معترضان در باغ سفارت بریتانیا، سلسله قوانینی بر اساس قوانین عثمانی نوشت که مورد تصویب ملیون قرار گرفت. (آفاری، ۱۳۸۵: ۹۹) جمعیت اتحاد ترقی عثمانی نیز به صورت مکتوب و عملی از انقلاب آذربایجان حمایت می‌کرد. (ملک‌زاده، ۱۴۰۱: ۲۰۹)

جریان مشروطه‌خواهی در ارومیه

مطالبات مردمی در ارومیه ذیل مطالبات مشروطه‌خواهی آذربایجان بود با این تفاوت که برخلاف شهرهای غیر مرکز ایالتی، مطالبات مردم این شهر از مشروطه‌خواهی در مقالات نشریات آن روز انعکاس می‌یافت. همزمان با افتتاح مجلس شورای ملی در تهران (۱۴ مهر ۱۲۸۵ش)، انجمن تبریز نیز تشکیل و یک ماه بعد نیز انجمن ارومیه به همت جمعی از معاریف شهر تشکیل شد. در ارومیه نیز از همان آغاز مشروطیت، طبقات مختلف اجتماعی از قبیل تجار و بازرگانان، روحانیان، نخبه‌های شهری و پاره‌ای از اشراف وابسته به دولت و حتی طبقه روشنفکر متشکل از روزنامه‌نگاران، نویسندگان و حتی اساتید و معلمان ایفای نقش می‌کردند. اگرچه برای پیشبرد امور مشروطیت، کدی و لمبتون معتقدند که طبقاتی چند در انقلاب مشروطیت متحد بودند (فوران، ۱۳۸۶: ۲۷۱)، اما در میان این طبقات، دودستگی و نفاق مشهود بود. در طیف مشروطه‌خواهان میرزا حبیب‌الله خان آقازاده، میرزا محمود غنی‌زاده سلماسی، میرزا محمد اشرف‌زاده، تاجر و مالکینی چون مویدالتجار، حاجی محمد ذهتاب و میرزا علی عسگرآبادی به‌عنوان روحانی مشروطه‌خواه و در رأس مجاهدین مسلح نیز مشهدی اسماعیل افشار و مشهدی باقرخان قرار داشت. (انزلی، ۱۳۷۸: ۷۰) در رأس مخالفان مشروطیت و به عبارت دیگر طرفدار مشروطه مشروعه حاجی میرزا ابوالقاسم مجتهد معروف به «بالا مجتهد» وجود داشت. (جلیلی

۱. بالا به ترکی، معنای کوچک می‌دهد. یعنی مجتهد کوچک و یا بهتر بگوییم کوچک‌اند.

قره‌آغاجی، ۱۳۹۷: ۶۹). مجدالسلطنه از اعیان ارومیه که گاه‌گاهی حکومت ارومیه نیز به او سپرده می‌شد نیز مخالفان و موافقانی داشت که بر پیچیدگی اوضاع ارومیه می‌افزود. قهر او و ترک ارومیه و سپس بازگشت به شهر برای تأمین ارومیه از موضوعات اساسی دوران مشروطیت ارومیه به شمار می‌آید. (مجتهدی، ۱۳۲۷: ۱۹)

با تأخیر اجرای اصول و قوانین مشروطیت، اوضاع به نفع رادیکال‌ها تغییر یافت و دسته‌ای از مشروطه‌خواهان مسلح به وجود آمدند که عنوان «مجاهد» را داشتند. مجاهدین در سراسر آذربایجان از مرام سوسیال‌دموکرات‌ها پیروی نموده و به مبارزه مسلحانه علیه استبداد معتقد بودند (پدرام، ۱۴۰۲ الف: ۴۳۷) و سوسیال‌دموکرات‌ها در ارومیه نیز بسیار فعال بودند. (شاکری، ۱۳۸۲: ۱۸۲) اصولاً یکی از نکات بارز در مشروطه‌خواهی آذربایجان که در مشروطه‌خواهی ارومیه نیز به شدت نمود داشت، وجه انقلابی‌گری و خشونت بود. (جعفریان، ۱۳۸۵: ۷۵) هرج و مرج ناشی از قدرت‌یابی بی‌سازمان انجمن‌های محلی، اداره امور را مختل کرده بود. اختلافات مرزی ایران و عثمانی و درگیری‌های همزمان با آن، که منجر به قتل و غارت مردم شده بود، در دوران مبارزات مشروطه‌خواهی مردم آذربایجان به تدریج بر فعالیت‌های مدنی مردم ارومیه سایه افکند. (ملک‌زاده، ۱۳۸۴: ۲۳۵) قتل و غارت شورشیان اکراد عشایر که منجر به کاهش شدید جمعیت منطقه شده بود (Şevket، ۲۰۱۷: ۴۹) به مباحثات مجلس ایالتی (انجمن، ۱۳۷۴: اکثر شماره‌ها) و هم مباحثات مجلس هم کشیده شده بود. (آرطونیان، ۱۴۰۲: ۸۸) حتی محمدعلی شاه جهت همدردی با مصیبت‌زدگان اورمی هزینه جشن تولد خود را به مردم ارومیه اختصاص داد. (امیرخیزی، ۱۳۷۹: ۴۴)

مخبرالسلطنه والی آذربایجان نیز سعی می‌کرد قوایی به ارومیه اعزام نماید (دهقان، ۱۳۴۸: ۴۲۵)، اما اوضاع مملکت به گونه‌ای شد که اهالی تبریز رفتن اردو به تهران را به رفتن به ارومیه ترجیح می‌دادند. از این رو، مخبرالسلطنه نتوانست دسته دوپست نفری خود را به سرحدات ارومیه گسیل کند اما این اقدامات نیز سودی نداشت تا اینکه اهالی ارومیه جهت تنبیه اکراد قشونی به فرماندهی مجدالسلطنه تهیه نمودند که در مدت کوتاهی توانست امنیت مطلوبی را برای محالات غرب ارومیه به ارمغان آورد. (امیرخیزی، ۱۳۷۹: ۳۸) تمامی این اقدامات مردمی برای امنیت ارومیه در نشریه فریاد انعکاس یافته است. با اعلان مشروطیت در عثمانی و تأسیس مجلس مبعوثان توسط سلطان عبدالحمید به تدریج تنش‌های مرزی با عثمانی کاهش یافت. (Zürcher، ۱۹۹۵: ۴۲) تشکیل انجمن‌های محلی از جمله انجمن ارومیه در این دوران به همت انجمن ایالتی تبریز نیز بسیار با اهمیت است. تمام اقدامات مشروطه‌خواهان آذربایجان با تهاجم روس‌ها به آذربایجان و تصرف شهرهای مهمی چون ارومیه بی‌ثمر شد (پدرام، ۱۴۰۲ الف: ۶۳) و مطالبات مشروطه‌خواهان مسکوت ماند.

نشریه فریاد

اعلان مشروطیت که درواقع نخستین تجربه دموکراسی در دوره قاجار محسوب می‌شد، از نظر مطبوعات حائز اهمیت بسیاری بود، زیرا مطبوعات در آن زمان به عنوان مهم‌ترین وسیله ارتباط جمعی در استقرار نظام مشروطه و نظارت بر اجرای قانون اساسی و همچنین تنویر افکار عمومی و آماده‌سازی مردم برای مشارکت در امور کشور نقش کلیدی بر عهده داشتند. (فرونچی، ۱۳۹۰: ۹۲) شهر ارومیه اولین شهری بود که اگرچه مرکز ایالت نبود، اما از همان روزهای نخستین اعلان مشروطیت، صاحب نشریه‌ای مستقل ملی گردید. مدیر نشریه میرزا حبیب‌الله آقازاده (۱۳۰۱ ق. ارومیه - ۱۳۳۹ ش. تبریز)، سردبیر آن میرزا محمود غنی زاده سلماسی (۱۲۹۶ ق. سلماس - ۱۳۱۳ ش. تبریز)، از روزنامه‌نگاران برجسته آذربایجان که اولین فعالیت روزنامه نگارش را از فریاد شروع کرد (سرداری‌نیا، ۱۳۷۰: ۲۱۴) و مدیر اجرایی میرزا عبدالعلی حریری دیلمقانی بود. این نشریه با چاپ سربی به زبان‌های ترکی و فارسی در ۴ صفحه طی ۲۳ شماره و در عرض ۶ ماه منتشر شد. انتشار این نشریه با استقبال انجمن ایالتی آذربایجان و مشروطه‌خواهان آذربایجانی همراه بود. بااین حال، متشرعین ارومیه مخالف انتشار این نشریه بودند و سرانجام تحت فشار آنان بود که مدیرمسئول نشریه مجبور

به جدایی از آن شد. خبر جدایی او با سرمقاله‌های به زبان ترکی در شماره سوم نشریه اعلان گردید. غنی زاده با مطرح کردن اینکه انسان افکار و عقایدش را به زبان مادریش بهتر می‌تواند بفهماند تا با زبان‌های دیگر، وداع اجباری مدیر نشریه را با عنوان «فریاد، مدیرینه وداع ایدیور» اعلان می‌کند. (فریاد، ۱۳۹۴: ۳۵) چند شماره بعد در این نشریه خبر از فشارها برای تعطیلی نشریه درج می‌گردد، اما پایمردی چند تن از اعضای انجمن ارومیه و سردبیر نشریه با تذکر اینکه آزادی قلم یکی از ارکان مشروطیت است، تا حدودی به نتیجه می‌رسد (فریاد، ۱۳۹۴: ۲) و نشریه تا شماره ۲۳ به حیات خود ادامه می‌دهد. نشریه فریاد همچون اکثر نشریات دوره مشروطیت با یک سرمقاله شروع می‌شد که مدیرمسئول یا سردبیر یا نویسنده اصلی در مورد مسائل روز جامعه در حوزه بیداری ملی و برانگیختن حس مشترک جهت اقدام برای تحقق خواسته‌های مشخص منعکس می‌گردید. (قاسمپور، ۱۳۹۱: ۲۲۹) نشریه فریاد به دو زبان ترکی آذربایجانی و فارسی منتشر می‌شد. زبان و ادبیات ترکی به کار رفته در این نشریه، همان زبان رایج در آذربایجان بود که با ترکی عثمانی به صورت موازی راه تکامل را پیموده و البته از نظر کتابت می‌توان گفت که تحت تأثیر ترکی عثمانی قرار گرفته و خصوصیات اورتوگرافیک ترکی عثمانی در کتابت زبان لازم‌الاجرا می‌بود، به ویژه برای آذربایجانی‌ها که از زبان ادبی خود به عنوان زبان ژورنالیستی جدیداً استفاده می‌کردند. (فریاد، ۱۳۹۴: ۱۳)

مطالبات مشروطه‌خواهان ارومیه بر اساس مطالب نشریه فریاد

با مطالعه محتوای شماره‌های چاپ شده نشریه فریاد سه موضوع اصلی زیر قابل بحث است: ۱. بازتاب مطالبات محلی و منطقه‌ای مشروطه‌خواهان. ۲. بازتاب مطالبات ملی. ۳. آموزش مفاهیم مشروطه به جامعه.

۱. بازتاب مطالبات محلی و منطقه‌ای مشروطه‌خواهان

مشروطه‌خواهان ارومیه در بعضی از شماره‌های نشریه فریاد، موضوعاتی را مورد توجه قرار داده‌اند که بیشتر مربوط به مشکلات شهر ارومیه در خلال انقلاب مشروطه است. در شماره دوم، نویسنده با توصیف بدبختی‌های ارومیه و صدمات وارده بر این شهر به بیان مشکلات و توضیح احتیاجات شهر ارومیه تحت عنوان «احتیاجات ارومیه بسیار است» پرداخته است و در همان شماره نویسنده همچنین قول می‌دهد: «از آن راهی که گفته‌اند: روزنامه هیئت جامعه ملتی و یا اهالی ولایتی را در حکم زبان است، فریاد نیز بعد از این به اندازه وسع و اقتدار خویش احتیاجات ارومیه را نوشته و در بیان رفع معایب و جلب لوازم خواهد کوشید.» (فریاد، ۱۳۲۵: ۲/۲) موضوع و مطالبه محلی دوم، بیان کشمکش‌های داخلی مشروطه‌خواهان ارومیه است. (همان: ۴/۲) در این شماره نویسنده یکی از مشکلات مشروطه‌خواهی را اختلافات درونی مشروطه‌خواهان ارومیه می‌داند. موضوع سوم، مربوط به ناامنی‌هایی است که عشایر اطراف ارومیه ایجاد کرده‌اند. شرح اخبار تعدیات و حملات اکراد عشایر در شماره‌های سوم، چهارم، دهم و یازدهم بازتاب داشته است. (فریاد، ۱۳۲۵: ۴/۳؛ ۳/۴؛ ۲/۱۰؛ ۴/۱۱) موضوع چهارم که به عنوان یک مطالبه مطرح می‌شود، اشاره به اختلافات میان ارامنه و مسلمانان دارد. به طور مثال، انتقاد از اینکه در مقابل شش باب مطبوعه مسیحی یک باب متعلق به مسلمانان نیست (همان: ۴/۴)، اظهار تأسف از کشته شدن بیش از ۱۶۰۰۰ رعیت ایرانی در جنگ ارمنی-مسلمان در شمال ارس و عدم پیگیری اوضاع آن‌ها (همان: ۲/۶) و انتقاد از کم‌فروشی تجار ارمنی در مراغه. (همان: ۴/۷) موضوع پنجم، معرفی انجمن ارومیه و دلایل اهمیت آن است. در شماره دهم نویسنده با تأکید بر نظم دادن امور شورا و تأکید بر پیشرفته بودن انجمن ارومیه به دلایلی چون قرار گرفتن در سرحداث، وجود افراد مختلف از دولت‌های مختلف، اهمیت تجاری و فلاحت و زراعت (همان: ۲/۱۰) در شماره یازدهم مختصری درباره اقدامات انجمن ارومیه به خصوص در پخش شب‌نامه می‌نویسد: «انتشار این کاغذپاره‌ها در فکر و حس اهالی تأثیر غریبی نموده و باعث هیجان افکار عامه گردید.» (همان: ۱/۱۱) حتی در بیرق‌های محصلین مدارس معرفت و کمالیه «زنده‌باد مشروطیت»، «زنده‌باد حریت» گزارش شده است. خطابه محصلین این مکاتیب درباره

بیداری از خواب غفلت و اعلان آمادگی بر جان فشانی در راه وطن قید شده است. (همان: ۴/۱۱)

موضوع ششم به شکل‌گیری مجاهدین مسلح در ارومیه و دلایل این اقدام می‌پردازد. در شماره دوازدهم (۴ جمادی الثانی ۱۳۲۵ق) خبر ظهور فرقه مجاهدین مسلح که پس از اعتراض رسمی به محمدعلی شاه آشکارا و رسماً وارد فعالیت‌های سیاسی شدند، ازجمله اخبار مهمی بود که در صدر اخبار مشروطه‌خواهی ارومیه و فعالیت‌های عملی آن‌ها در نشریه فریاد منعکس گردید (همان: ۱/۱۲) و نشان از وارد شدن مجاهدین به مرحله مسلحانه است. در این شماره با معرفی فرقه مجاهدین مسلح که «هیئتی است امروزه مرکب از هزار نفر به تقریب، اساساً صاحب مرامنامه صحیح و خط حرکت معقول و طالب اتحاد و اتفاق بلااستثنا دین و مذهب می‌باشند. علما و ادبا هم در میانشان کم نیستند [...]» به ریاست آقا میرزا محمود آقای سلماسی (همان: ۱/۱۲) و با ذکر سرمقاله‌ای در باب اهداف مجاهدین و پایمال کردن مردم و فقرا نیز دیده می‌شود. به تدریج تغییر فاز مدنی مشروطه‌خواهان به فاز مسلح در قالب ترکیب مجاهدین دیده می‌شود. در این شماره همچنین اشاره‌هایی به مخالفت با آقا میرزا محمود آقای سلماسی ریاست دسته مجاهدین مسلح اورموی نیز شده است. (همان: ۱/۱۲) در ادامه مطالب مربوط به مجاهدین در شماره سیزدهم، انتظام دادن به امورات فرقه‌های مجاهد، نظم و ترتیب دادن به امور اداری انجمن، آموزش وظیفه‌شناسی، مطیع و تنظیم حرکت آن‌ها دیده شده است. (همان: ۲-۱/۱۳) موضوع هفتم در ارتباط با وضعیت آموزش و اوضاع رفاهی شهر ارومیه است که نویسندگان نشریه فریاد به آن توجه کرده‌اند. در شماره دوم نویسنده با اظهار نگرانی از بسته شدن قرائتخانه امکدار سلماس که به همت میرزا سعید سلماسی تأسیس شده بود (همان: ۲/۲)، لزوم توجه به سوادآموزی را تأکید می‌کند. همچنین در شماره نهم به مسئله نان و لزوم تأمین غله برای محتاجین شهر ارومیه توجه شده است. (همان: ۲/۹) از شماره ۱۳ به بعد، نشریه فریاد برعکس شماره‌های اول، دیگر درخواست اصلی اصول مشروطه‌خواهی دیده نمی‌شود و عموماً اخبار درگیری‌های سرحدی با عثمانی و جنگ و گریز اکراد عشایر با قوای مسلح مشروطه‌خواه در غرب آذربایجان انعکاس یافته است.

۲. بازتاب مطالبات ملی

بخشی از موضوعاتی که مورد توجه نشریه فریاد قرار گرفته‌اند، معطوف به مسائل و مشکلات کشوری است و حالت ملی به خود می‌گیرد. یکی از این موضوعات در مورد کمبود کاغذ و لزوم ایجاد کارخانه کاغذسازی است. نویسنده می‌نویسد، افزایش انتشار نشریات مختلف در این دوره سبب افزایش مصرف کاغذ شده و به تبع آن احتیاج به وابستگان بیشتر می‌شود و برای رفع این معضل لازم است کارخانه کاغذسازی تأسیس شود. (همان: ۲/۲؛ ۴/۳) موضوع دوم درباره فواید ایجاد بانک در ایران است. نویسنده با توضیح فواید تأسیس بانکی که به تأیید وکلا رسیده و توسط شاه امضا شده باشد، بر لزوم حمایت از ایجاد بانک تأکید می‌کند. (همان: ۳/۲؛ ۳/۳) موضوع سوم که در مطالبات محلی نیز بازتاب داشت و در نشریه به عنوان یک مطالبه ملی مطرح می‌شود، توجه و تأکید بر علم است، همچنین تأکید بر اینکه چون ملت فرانسه با سواد است و پیشرفت فکری نموده و ملت ایران بی سواد و کار مشروطه می‌لنگد. همچنین، نویسنده به تنقیدات ادبی پرداخته و به معرفی ویکتور هوگو، موسه و ژورژ سان به عنوان شاعرانی فرانسوی می‌پردازد. نویسنده با تأکید بر اینکه اشعار شاعران ایرانی از نظر محتوایی در مقابل این‌ها بسیار متفاوت است، اضافه می‌کند: «از شنیدن آن‌ها انسان می‌داند شعرای ایرانی به استثنا معدودی از آنان چقدر از مطلب دورافتاده و بلکه معنی و موضوع شعر و شاعری را هم نفهمیده‌اند». (همان: ۱/۴) لزوم تأسیس تئاتر و پرداختن به هنر، لزوم تأسیس مدارس ابتدائیه و رشدیه در سراسر مملکت، تلاش برای تربیت اولاد وطن به نحو احسن و لزوم خدمت به مردم (همان: ۲/۱۵-۳) و همکاری مالی ثروتمندان برای این کار با آوردن نمونه‌هایی از کشورهای متمدن فرانسه و انگلیس (همان: ۴/۱۷)، انتقاد از بعضی ثروتمندان محلی که با وجود ادعای واپس‌اندازی و وطن‌داری و امتنا از کمک مالی به مدارس دریغ می‌کنند و در ادامه لیست خیرین ارومیه را با مبلغ اهدایی‌شان آورده شده است. (همان: ۳/۱۸-۴)

موضوع چهارم، تأکید بر «اتحاد و اتفاق و همچنین ملی‌گرایی و عشق به وطن» است. نویسنده این مقاله، اتحاد و اتفاق را رمز ثروت و آبادی در تمام ممالک می‌داند. نویسنده سرمقاله «پرهیز از غریب و بومی» کردن را واجب شمرده و اشاره به خدمات و اصلاحات امیرکبیر و امین‌الدوله می‌نماید. (همان: ۲/۵) تأکید بر مهر وطن، وطن‌پرستی، علم ترقی و تعالی، تشکر از معلمان میسیونری، پرهیز از نفاق و فرقه‌گرایی (همان: ۳/۶)، عشق وطن (همان: ۳/۸)، با تأکید بر اینکه ایرانی با ناله، مویه، فلاکت و ماتم عجین شده است، اشاره به سخنرانی میرزا جواد آقای تبریزی که حاوی سخنانی درباره عزت و سعادت ملی، لزوم مشروطه‌خواهی و اصلاح امور، پرهیز از بیگانه‌پرستی دول خارجی و تأکید بر اینکه اهالی آذربایجان و عموماً ترک‌ها حاضرند در قتال با دول بیگانه حتی خونشان هم ریخته شود. (همان: ۲/۷) تأکید بر ترک بودن آذربایجان با نشر مکتوب ترکی و مقایسه آذربایجان شمال و جنوب ارس (همان: ۳/۹) و تأکید بر ترقی امم همچون پیشرفت ژاپن (همان: ۱/۱۴-۲) موضوع پنجم در ارتباط با القاب نظامی است. نویسنده با انتقاد از اعطای القاب نظامی بلندپایه نظیر سرتیپ به اطفال (همان: ۴/۵) این موضوع را مورد بررسی انتقادی قرار داده است.

۳. آموزش مفاهیم تئوریک مشروطه به جامعه

بخشی از مطالب نشریه فریاد به‌نوعی آموزش مفاهیم مشروطه به عموم خوانندگان ارومیه بود که اطلاع صحیحی از مفاهیم جدید مانند قانون و مشروطه و مسلک‌های فکری نداشتند. اولین شماره نشریه در ۲۱ محرم ۱۳۲۵ق با سرمقاله‌ای مبسوط در معرفی مسلک نشریه آغاز شد. غنی‌زاده با بیان اهمیت اتخاذ مسلک در نشریات، به الگو قرار دادن ممالک اروپایی در اتخاذ مسلک اشاره دارد. او با معرفی مسلک‌هایی چون اجتماعیون عامیون، اجتماعیون انقلابیون، ناسیونالیست، ناسیونالیست لیبرال، طرفداران آسایش عملیه‌جات فابریک (کارخانه) بیان جزئیات این ایدئولوژی‌ها را با خطابه‌های آتشین، مواعظ دلنشین، تقریرات شیرین، تحریرات فاضلانه، نوشتجات دانشمندانه و در آخر با «تهدید قوه دینامیت بمب‌های مدهش دل‌های خلق را از خودشان مرعوب» بیان می‌کند. او همچنین از فرقه‌های ناتورالیست-طبیعیون، مورالیست-اخلاقیون، حقیقیون-ادبای حقیقیه نیز صحبت و مطبوعات ترک عثمانی را واسطه اتخاذ مسلک توسط مطبوعات اسلامی عنوان می‌کند که «در ایران عمومیت ندارد». (همان: ۲/۱) در شماره دوم، اصطلاحاتی آزادخواهانه چون «منادی اصلاحات»، «داعی ترقیات» مشاهده می‌شود. (همان: ۲/۲)

در شماره‌های بعدی اصطلاحاتی چون «وطن‌پرستی»، «آزادی بیان» و «مشروطه» در سرمقاله نشریه دیده می‌شود. حتی کارگزار وزارت خارجه در ارومیه به نام رحمت‌الله محرر نیز ضمن تبریک به مدیر نشریه گوشزد می‌کند: «باید این امر اعظم را از پیش برده و فقط به اسم مشروطه که خدایش تا ابد پاینده دارد دلخوش نبوده دقیقه‌های به فراغت ننشسته و مطلقاً ساکت و صامت نباشند». (همان: ۳/۳) مطالبی در باره لزوم اتحاد و اتفاق در بین آحاد ملت (همان: ۱/۵) و پخش اوراق اجتماعیون عامیون با رنگ قرمز در سطح شهر. (همان: ۱/۱۱) درخواست مردم ارومیه از پادشاه در تحصن: «پادشاه! شهریار! حقوق این ملت را که خداوند برایشان داده است بخودشان رحمت فرما [...]». تأکید بر اینکه دولت «طرفدار استبداد و مسلک قدیم خود» می‌باشد و تهدید نمودن مخالفان به اینکه هر کس اظهار ضدیت کند وجود او را مخل آسایش عالم انسانیت دانسته واجب‌القتل می‌دانیم شق ثانی ابداً نخواهد داشت. (همان: ۳/۱۱) تأکید مشروطه خواهان به اینکه ملت حقوق خود و مشروطیت تامه را می‌خواهند (فریاد، ۱۳۹۴: ۷۲) و تأکید بر اینکه دولت مشروطه بدون علم ممکن نیست اداره شود. (فریاد، ۱۳۲۵: ۱/۱۵) به شکل مفصلی درج شده است.

در آخرین شماره نشریه فریاد (۷ ذی‌قعدة ۱۳۲۵ق)، غنی‌زاده با طرح سؤالاتی چون: «این حس مقدس نبود که قوم ضعیف ترانسوال را از دولت انگلیس قادر به اخذ حقوق نمود؟ این حس مقدس نبود که ژاپونیان بینام و نشان را به یک

۱. نام منطقه‌ای در آفریقای جنوبی که جنگ ساکنانش یعنی بوئرها با انگلیسی‌ها طی ۱۸۷۷-۱۸۸۸م منجر به شکست انگلیسی‌ها و بازپسگیری استقلالشان شد.

دولت قویالاشکیمه^۱ مانند روس چیره کرد؟ یا این حس مقدس نبود که ایرانیان را از گرانخواستار مستی چندین قرن بیدار و با یک جنبش حیرت بخش آنان را از زیر فشار، جور و استبداد برخلاف افکار تمام سیاسیون عالم رهایی بخشید؟ آثار ترقی جهان امروزی را منتج از شرف ملی میدانند و تأکید میکنند هرکه این قوه ندارد عدمش به ز وجود. سردبیر فریاد ابراز ناراحتی می کند از اینکه مریضان مسلمان برای درمان بیماری شان باید به مریضخانه های آمریکایی بروند. (همان: ۲/۲۳)

مخالفان و فرجام نشریه

در ارومیه آن زمان نیز همچون تهران و تبریز، مباحث فراوانی درباره روابط مشروطه و مشروعه در جریان بود. غنی زاده بسیار سعی می کرد در انعکاس اخبار و سرمقاله های نشریه، جدال مشروعه را با مشروطه خواهان لائیک پنهان نموده و غالباً با تزئین سرمقالات و آیات قرآنی و اصطلاحات اسلامی اتهام ضد دینی زدن متشرعین را خنثی نماید. در شماره نهم، در مخالفت با توقیف نشریه فریاد، یکی از اعضای مهم انجمن ارومیه بنام منتظماالسلطان درباره آزادی قلم چنین نوشته است: «که در صورتی که دولت ما مشروطه شده است آزادی قلم نیز یکی از ارکان مشروطیت است، وقتی که در محضر انجمن این چنینی حکم منافی حریت و مشروطیت صادر شود دیگر چه حریت و چه مشروطیت و چه انجمن بازی است.» (همان: ۱/۹) در شماره های بعد خبر از مخالفان داخلی مشروطه در ارومیه داده و «کاغذهای مجهول شورش انگیز» در ارومیه را نقد می کند. (همان: ۴/۱۵) در شماره سیزدهم نقل قول از «به قول پاره های از متشرعان، شریعت از دست رفته، سایه بر درخواست های اساسی مشروطه خواهان می افکند» (همان: ۳/۱۳) خبر خوشایندی برای مشروطه خواهی نیست.

نتیجه

در اوایل قرن بیستم میلادی جنبش مشروطه خواهی و جنبش تقسیم قدرت عادلانه میان دولت و ملت، در ایران دوره قاجار، عثمانی و حتی روسیه منجر به تحولات سیاسی - اجتماعی شد. در اوایل، گفتمان مشروطه خواهی بسیار ساده و در حد کلی همچون ترقی، سعادت، حفظ حقوق، رفاهیت، امنیت، اصلاحات، مجلس شورای ملی، خوشبختی، خیر دولت و ملت، مصالح عامه، احتیاجات قاطبه اهالی ملت دیده می شود. در حقیقت اصول و مفاهیمی چون مشروطه، مطالبه حقوق، حفظ حقوق و اصطلاحات دیگر، علاوه بر کلی بودن و فاقد تعریف، ضمانت اجرایی در محافل، انجمن ها و نشریات بود که مکرراً گفته و مطالبه می شد. به تدریج پیچیدگی های درخواست ها در قالب مشروعه خواهان و لائیک ها نیز به مطالب افزوده شد و این مطالبات به اشکال اصطلاحاتی آزادخواهانه دیگری چون «منادی اصلاحات»، «داعی ترقیات»، «وطن پرستی»، «آزادی بیان» و «مهر وطن» در آذربایجان آن هم در نشریه فریاد چاپ ارومیه ظاهر شد. با تهدیدات جناح ضد مبارزه مسلحانه مشروطه خواهان اورموی، از شماره سیزدهم به بعد در نشریه فریاد برعکس شماره های اول، دیگر درخواست اصلی اصول مشروطه خواهی مشاهده نمی شود و عموماً اخبار درگیری های سرحدی با عثمانی و جنگ و گریز اکراد عشایر با قوای مسلح مشروطه خواه در غرب آذربایجان انعکاس یافته است. با بررسی تمامی شماره های انتشار یافته نشریه فریاد می توان دریافت که در طی این تغییر و تحولات به سبب عدم یکدست بودن مطالبات مردمی و مقاومت هیئت حاکمه برای تعدیل قدرت مطلقه خود، تنش های مسلحانه در حد جنگ داخلی بین ملیون و دولتیان، شورش اکراد عشایر و کلاً ناامن شدن منطقه غرب آذربایجان، به ویژه ارومیه و سلماس، موجب به حاشیه رفتن اصول اولیه مشروطه خواهی در غرب آذربایجان شد.

- آجودانی، ماشالله. (۱۳۸۵). *مشروطه ایرانی*. تهران: اختران.
- آدمیت، فریدون. (۱۳۵۵). *فکر دموکراسی اجتماعی در نهضت مشروطه ایران*. تهران: پیام.
- آرتونیان، گ.س. (۱۴۰۲). *بلشویک‌های قفقاز و مشروطیت ایران*. ترجمه محمد نایب پور. تهران: نگارستان اندیشه.
- آفاری، ژانت. (۱۳۸۵). *انقلاب مشروطه ایران (۱۹۱۱-۱۹۰۶)*. ترجمه رضا رضایی. تهران: بیستون.
- اتحادیه، منصوره. (۱۳۶۱). *مرامنامه‌ها و نظام‌نامه‌های احزاب سیاسی ایران در دوره دوم مجلس شورای ملی*. تهران: تاریخ ایران.
- احتشام السلطنه. (۱۳۶۶). *خاطرات احتشام السلطنه*. به‌کوشش محمد مهدی موسوی. تهران: زوار.
- اردوبادی، محمد سعید. (۱۳۷۲). *قانونی سنه لر*. تنظیم اندهن: بویوک رسولوند. تهران: اندیشه نو.
- امیرخیزی، اسماعیل. (۱۳۷۹). *قیام آذربایجان و ستارخان*. تهران: نگاه.
- انزلی، حسن. (۱۳۷۸). *ارومیه در گذر زمان*. ارومیه: انزلی.
- براون، ادوارد. (۱۳۹۶). *انقلاب مشروطه ایران*. ترجمه مهری قزوینی. تهران: کویر.
- پاشازاده، غلامعلی؛ و نجفی، نصرالله. (۱۳۹۷). *تبریز در وحشت: اسنادی نویافته از مقاومت تبریز در استبداد صغیر*. قم: لوگوس.
- پدرام، محمد حسن. (۱۴۰۲ الف). *بانیان و حامیان مرکز غیبی تبریز*. تبریز: آیدین.
- پدرام، محمد حسن. (۱۴۰۲ ب). *عواقب ناکامی مشروطه و سقوط قاجاریه در آذربایجان*. تبریز: اختر.
- تفرشی حسینی، سید احمد. (۱۳۸۶). *روزنامه اخبار مشروطیت و انقلاب ایران، یادداشت‌های حاجی میرزا سید احمد تمجیدالسلطان تفرشی حسینی*. به‌کوشش ایرج افشار. تهران: امیرکبیر.
- تقی‌زاده، سید حسن. (۱۳۳۸). *خطابه: مشتمل بر شمه‌ای از تاریخ اوایل انقلاب و مشروطیت ایران*. تهران: باشگاه مهرگان.
- تقی‌زاده، سید حسن. (۱۳۷۹). *تاریخ انقلاب مشروطیت ایران*. به‌کوشش عزیزالله علیزاده. تهران: فردوس.
- تقی‌زاده، شوکت، شاهین، تقی. (۱۳۹۴). *تاریخ نودساله آذربایجان*. ترجمه پرویز زارع شاهمرسی. تبریز: اختر.
- ثقة الاسلام. (۱۳۷۸). *نامه‌هایی از ثقة الاسلام (در روزگار مشروطیت)*. تهران: فرزانه.
- جعفریان، رسول. (۱۳۸۵). *درک شهری از مشروطه (مقایسه حوزه مشروطه‌خواهی اصفهان و تبریز)*. تهران: موسسه تاریخ معاصر ایران.
- جلیلی قره‌آغاجی، محمدحسین. (۱۳۸۷). *ارومیه سرزمین پایداری و مقاومت: نگاهی به اوضاع ناآرام سیاسی و اجتماعی ارومیه در دوره قاجار (۱۲۱۰-۱۳۴۴ق)*. ارومیه: گنج مبینا.
- جمشیدیان، سجاد؛ پرواز، نادر. (۱۳۹۵). *روزشمار محاصره تبریز و اعاده مشروطه بر اساس اسناد منتشرنشده*. تهران: سفیر اردهال.
- جورابچی، محمدتقی. (۱۳۸۶). *حرفی از هزاران که اندر آمد، خاطرات حاجی محمدتقی جورابچی وقایع تبریز و رشت (۱۳۲۴-۱۳۳۰)*. به‌کوشش علی قیصری. تهران: تاریخ ایران.
- حسن‌زاده، ناصرالدین. (۱۳۹۲). *خاطرات حیدرخان عمو اوغلی*. تهران: نامک.
- حسن‌زاده، نریمان. (۱۳۸۶). *ستارخان و جنبش آذربایجان*. پرویز زارع شاهمرسی. تهران: شیرازه.

- حضرتی، حسن. (۱۳۸۹). مشروطه عثمانی. تهران: پژوهشکده دنیای اسلام.
- حضرتی، حسن. (۱۴۰۰). مشروطه ایران به روایت آرشیو عثمانی. تهران: لوگوس.
- خلیل زاده، مجید. (۱۳۹۷). ارومیه ناجی مشروطیت آذربایجان. قم: نوید حکمت.
- دولت آبادی، یحیی. (۱۳۳۰). حیات یحیی. ج ۳. تهران: ابن سینا.
- دهقان، علی. (۱۳۴۸). سرزمین زرتشت. تهران: ابن سینا.
- رانین، اسماعیل. (۱۳۵۸). اسناد و خاطره‌های حیدرخان عمو اوغلی. ج ۲. بی جا، بی نا.
- رسول زاده، محمدامین. (۱۳۸۷). گزارش‌هایی از انقلاب مشروطیت ایران. ترجمه رحیم رئیس نیا، تهران: شیرازه.
- رضوی، مسعود. (۱۳۸۳). گستره تاریخ: گفتگوهای با تاریخ نگاران ایران. تهران: هرمس.
- روستملی، آصف. (۱۳۹۷). ستارخانین سلاح‌داری بایرامعلی عباس زاده. ترتیب ائدن: میلاد تیموری، قم، نوید حکمت.
- زمانی، صفر. (۱۳۸۲). تاریخچه احزاب دموکرات ایران. تهران: واژه‌آرا.
- سالور، قهرمان میرزا. (۱۳۷۴). روزنامه خاطرات عین السلطنه. ج ۱. به کوشش مسعود سالور و ایرج افشار. تهران: اساطیر.
- سرداری نیا، صمد. (۱۳۷۰). مشاهیر آذربایجان. ج ۱. تبریز: ذوقی.
- سرداری نیا، صمد. (۱۳۷۷). آذربایجان پیشگام جامعه مدنی. تبریز: هادی.
- سعید بیگ، جمیل. (۱۳۹۸). نامه‌های ایران، گزارش کارگذا دولت عثمانی از تحولات مشروطه ایران. به کوشش علی ارغون چنار. مترجم حسن حضرتی. قم: لوگوس.
- شاکری، خسرو. (۱۳۸۴). پیشینه‌های اقتصادی-اجتماعی جنبش مشروطیت و انکشاف سوسیال دموکراسی. تهران: اختران.
- شاکری، خسرو؛ و همکاران. (۱۳۸۸). نقش ارامنه در سوسیال دموکراسی ایران ۱۹۰۵-۱۹۱۱ م. تهران: پردیس دانش.
- شیخ الاسلامی، جواد. (۱۳۶۸). قتل امیرکبیر و شانزده مقاله تحقیقی دیگر. تهران: کیهان.
- شیخ الاسلام، میرزا عبدالامیر. (۱۳۵۶). دو سند از انقلاب مشروطه ایران. تهران: توکا.
- صادقی، عباسقلی؛ صادقی، بهروز. (۱۳۹۴). مکاتبات داخلی و خارجی عهد مظفرالدین میرزا ولیعهد. تهران: تاریخ ایران.
- طاهری، ابوالقاسم. (۱۳۹۳). تاریخ اندیشه‌های سیاسی در غرب. تهران: قومس.
- عزیزی، محمد. (۱۳۸۵). انجمن ایالتی آذربایجان در دوره مشروطیت. تبریز: اختر.
- غلامی، احد. (۱۳۹۵). مشروطیت و شیخ اسمعیل هشتروندی. تهران: سفیر اردهال.
- فتحی، نصرالله. (۱۳۵۵). مجموعه آثار قلمی ثقه الاسلام شهید تبریزی. تهران: انجمن آثار ملی.
- فریاد. (۱۳۹۴). روزنامه فریاد. به کوشش جمال آیریملو. ارومیه: آینا.
- فرونچی، ناصر. (۱۳۹۰). نگاهی کوتاه به مطبوعات و اوضاع سیاسی دوره قاجار. تبریز: ارک.
- فوران، جان. (۱۳۸۶). مقاومت شکننده. ترجمه احمد تدین، تهران: موسسه خدمات فرهنگی رسا.
- قاسم پور، داود. (۱۳۹۱). ارومیه در دوران مشروطه. کرج: پرهب.ب.
- کسروی، احمد. (۱۳۸۱). تاریخ مشروطه ایران. تهران: امیرکبیر.
- مجتهدی، مهدی. (۱۳۲۷). رجال آذربایجان در عصر مشروطیت. بی جا: نقش جهان.

- ملک‌زاده، توحید. (۱۳۸۴). تاریخ ده‌هزارساله سلماس و غرب آذربایجان. تبریز: ائلدار.
- ملک‌زاده، توحید. (۱۳۸۸). تاریخچه دارالنشاط ارومیه،، ارومیه: یاز.
- ملک‌زاده، توحید. (۱۳۹۴). «اتحاد و ترقی جمعیتی ایله مشروطه لیدرلری آراسینداکی ایلشکیلر». وارلیق. (شماره ۳)، ۱۲۹-۱۲۳.
- ملک‌زاده، توحید. (۱۴۰۱). سلماس در دوران مشروطیت. ارومیه: آینا.
- مهری، فرشید. (۱۳۸۶). زندگی سیاسی واجتماعی احتشام السلطنه (دومین رئیس مجلس شورای ملی). تهران: موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
- میرزا صالح، غلامحسین. (۱۳۸۷). بحران دموکراسی در مجلس اول، یادداشت‌های میرزا فضلعلی تبریزی. تهران: نگاه معاصر.
- ناشناس. (۱۳۷۴). انجمن تبریز ج ۱. تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران با همکاری استانداری آذربایجان شرقی.
- ناشناس. (۱۳۷۰). نهضت مشروطه ایران بر پایه اسناد وزارت امور خارجه. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی تهران.
- ناظم الاسلام کرمانی. (۱۳۸۷). تاریخ بیداری ایرانیان. تهران: امیرکبیر.
- نبوی رضوی، سید مقداد. (۱۳۹۶). تاریخ مکتوم: نگاهی به تلاش‌های سیاسی فعالان ازلی در مخالفت با حکومت قاجار و تدارک انقلاب مشروطه. تهران: شیرازه.
- نجفی، موسی. (۱۳۷۶). بنیاد فلسفه سیاسی در ایران عصر مشروطیت: تلاقی اندیشه سیاسی اسلام و ایران با غرب. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- ویجویه‌ای، محمدباقر. (۱۳۸۶). تاریخ انقلاب آذربایجان و بلوای تبریز. تصحیح غلامرضا طباطبایی مجد. تهران: امیرکبیر.
- هدایت،
- یزدانی، سهراب. (۱۳۸۸). مجاهدان مشروطه. تهران: نشر نی.
- یوسفی‌نیا، راضیه. (۱۳۹۴). یادداشت‌ها و مکاتبات انجمن ایالتی آذربایجان در سال‌های ۱۳۲۸ و ۱۳۲۹. تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.

نشریات

- روزنامه انجمن تبریز. (۱۳۷۳). جلد اول. تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی.
- فریاد. (۲۱ محرم ۱۳۲۵ق). شماره اول.
- فریاد. (غره صفر ۱۳۲۵ق). شماره دوم.
- فریاد. (۱۵ صفر ۱۳۲۵ق). شماره سوم.
- فریاد. (۲۲ صفر ۱۳۲۵). شماره چهارم.
- فریاد. (۲۹ صفر ۱۳۲۵). شماره پنجم.
- فریاد. (۷ ربیع‌الاول ۱۳۲۵). شماره ششم.
- فریاد. (۱۳ ربیع‌الاول ۱۳۲۵). شماره هفتم.

- فریاد. (۲۰ ربیع الاول ۱۳۲۵). شماره هشتم.
- فریاد. (۵ ربیع الآخر ۱۳۲۵). شماره نهم.
- فریاد. (۱۲ ربیع الآخر ۱۳۲۵). شماره دهم.
- فریاد. (۲۱ ربیع الآخر ۱۳۲۵). شماره یازدهم.
- فریاد. (۴ جمادی الاول ۱۳۲۵۹). شماره دوازدهم.
- فریاد. (۱۱ جمادی الاول ۱۳۲۵). شماره سیزدهم.
- فریاد. (۱۸ جمادی الاول ۱۳۲۵). شماره چهاردهم.
- فریاد. (۲۵ جمادی الاول ۱۳۲۵). شماره پانزدهم.
- فریاد. (۲ جمادی الآخر ۱۳۲۵). شماره شانزدهم.
- فریاد. (۹ جمادی الآخر ۱۳۲۵). شماره هفدهم.
- فریاد. (۲۰ جمادی الآخر ۱۳۲۵). شماره هیجدهم.
- فریاد. (۲۷ جمادی الآخر ۱۳۲۵). شماره نوزدهم.
- فریاد. (۱۸ رجب ۱۳۲۵). شماره بیستم.
- فریاد. (۷ شعبان ۱۳۲۵). شماره بیست و یکم.
- فریاد. (۲۷ شعبان ۱۳۲۵). شماره بیست و دوم.
- فریاد. (۶ ذی القعدة ۱۳۲۵). شماره بیست و سوم.

- Akşin, Sina. (1987). Jön Türkler ve İttihat ve Terakki. İstanbul: Remzi Kitabevi.
- Çifçi, Erhan. (2018). Kutül-amare kahramanı Halil kut paşanın Hatıraları.3.baskı. İstanbul: Timaş yayınevi.
- Karalı, Enver Ziya. (2011). Osmanlı tarihi. VIII.cilt. Ankara: Türk Tarih kurumu.
- Kocatürk, Vasfi Mahir. (1954). Osmanlı Padişahları. İstanbul: Rafet Zalimler Kitap Yayınevi.
- Meşrute inqilabi 100. (2005). AMEA, Bakı.AMEA.
- Şevket, Fahreddin. (2017). İran. Ankara: Türk Tarih Kurumuürcher.
- Zürcher, Erik jan. (1995), Milli Mücadelede İttihatçılık. 2.baskı. İstanbul: bağlam yayınları.

References

- Adamiyat, Fereydoun. (1976). *The Idea of Social Democracy in the Iranian Constitutional Movement*. Tehran: Payam.
- Afary, Janet. (2006). *The Iranian Constitutional Revolution (1906–1911)*. Translated by Reza Rezaei. Tehran: Bistoun.
- Ajoudani, Mashallah. (2006). *Iranian Constitutionalism*. Tehran: Akhtaran.
- Akşin, Sina. (1987). Jön Türkler ve İttihat ve Terakki. İstanbul: Remzi Kitabevi.
- Amirkhizi, Esmail. (2000). *The Uprising of Azerbaijan and Sattar Khan*. Tehran: Negah.
- Anonymous. (1991). *The Iranian Constitutional Movement Based on Documents of the Ministry of Foreign Affairs*. Tehran: Office of Political and International Studies of Tehran.
- Anonymous. (1995). *The Association of Tabriz*. Vol. 1. Tehran: National Library of the Islamic Republic of Iran in cooperation with the Governorate of East Azerbaijan.
- Anzali, Hassan. (1999). *Urmia Through Time*. Urmia: Anzali.
- Artunian, G.S. (2023). *The Caucasian Bolsheviks and the Iranian Constitutionalism*. Translated by Mohammad Nayebe Pour. Tehran: Negarestan Andisheh.

- Azizi, Mohammad. (2006). **The Provincial Association of Azerbaijan in the Constitutional Period**. Tabriz: Akhtar.
- Browne, Edward. (2017). **The Iranian Constitutional Revolution**. Translated by Mehri Qazvini. Tehran: Kavir.
- Çifçi, Erhan. (2018). *Kutül-amare kahramanı Halil kut paşanın Hatıraları*. 3.baskı. İstanbul: Timaş yayınevi.
- Dehghan, Ali. (1969). **The Land of Zoroaster**. Tehran: Ibn Sina.
- Dowlatabadi, Yahya. (1951). **The Life of Yahya**. Vol. 3. Tehran: Ibn Sina.
- Ehtesham al-Saltaneh. (1987). **Memoirs of Ehtesham al-Saltaneh**. Edited by Mohammad-Mehdi Mousavi. Tehran: Zavvar.
- Ettehadiyeh, Mansoureh. (1982). **Manifestos and Charters of Iranian Political Parties in the Second Term of the National Consultative Assembly**. Tehran: Tarikh-e Iran.
- Faryad. (2015). **The Newspaper Faryad**. Edited by Jamal Ayrimlu. Urmia: Ayna.
- Fathi, Nosratollah. (1976). **The Collected Writings of Thiqat al-Islam, the Martyr of Tabriz**. Tehran: Association of National Works.
- Foran, John. (2007). **Fragile Resistance**. Translated by Ahmad Tadayyon. Tehran: Rasa Cultural Services Institute.
- Frounchi, Naser. (2011). **A Brief Look at the Press and Political Conditions of the Qajar Period**. Tabriz: Ark.
- Ghasempour, Davoud. (2012). **Urmia in the Constitutional Era**. Karaj: Parhib.
- Gholami, Ahad. (2016). **Constitutionalism and Sheikh Esmail Hashtroudi**. Tehran: Safir-e Ardehal.
- Hassanzadeh, Nariman. (2007). **Sattar Khan and the Azerbaijan Movement**. Parviz Zare' Shahmarsi. Tehran: Shirazeh.
- Hassanzadeh, Naser al-Din. (2013). **Memoirs of Heydar Khan Amu Oghli**. Tehran: Namek.
- Hazrati, Hassan. (2010). **Ottoman Constitutionalism**. Tehran: Research Institute of the Islamic World.
- Hazrati, Hassan. (2021). **Iranian Constitutionalism as Narrated by the Ottoman Archive**. Tehran: Logos.
- Hedayat, [incomplete entry].
- Jafarian, Rasoul. (2006). **An Urban Understanding of Constitutionalism (A Comparison of the Constitutionalist Movements of Isfahan and Tabriz)**. Tehran: Institute for Contemporary Iranian History.
- Jalili Qareh-Aghaji, Mohammad-Hossein. (2008). **Urmia, Land of Steadfastness and Resistance: A Look at the Unsettled Political and Social Conditions of Urmia in the Qajar Period (1210–1344 AH)**. Urmia: Ganj-e Mobina.
- Jamshidian, Sajjad; Parvaz, Nader. (2016). **A Day-by-Day Chronicle of the Siege of Tabriz and the Restoration of Constitutionalism Based on Unpublished Documents**. Tehran: Safir-e Ardehal.
- Jourabchi, Mohammad-Taqi. (2007). **A Word from Thousands That Came Forth: Memoirs of Haji Mohammad-Taqi Jourabchi on the Events of Tabriz and Rasht (1324–1330 AH)**. Edited by Ali Gheissari. Tehran: Tarikh-e Iran.
- Karalı, Enver Ziya. (2011). *Osmanlı tarihi*. VIII.cilt. Ankara: Türk Tarih kurumu.
- Kasravi, Ahmad. (2002). **History of the Iranian Constitutionalism**. Tehran: Amir Kabir.
- Khalilzadeh, Majid. (2018). **Urmia, the Savior of Azerbaijan's Constitutionalism**. Qom: Navid-e Hekmat.
- Kocatürk, Vasfi Mahir. (1954). *Osmanlı Padişahları*. İstanbul: Rafet Zalimler Kitap Yayınevi.
- Malekzadeh, Towhid. (2005). **The Ten-Thousand-Year History of Salmas and West Azerbaijan**. Tabriz: Eldar.
- Malekzadeh, Towhid. (2009). **A History of Dar al-Nashr of Urmia**. Urmia: Yaz.
- Malekzadeh, Towhid. (2015). "The Relations between the Ittihad wa Taraqqi Society and the Constitutionalist Leaders." **Varliq**. (No. 3), 123–129.
- Malekzadeh, Towhid. (2022). **Salmas in the Constitutional Era**. Urmia: Ayna.
- Mehri, Farshid. (2007). **The Political and Social Life of Ehtesham al-Saltaneh (Second Speaker of the National Consultative Assembly)**. Tehran: Institute for Contemporary Iranian History Studies.

- Meşrute inqilabi 100. (2005). AMEA, Bakı.AMEA.
- Mirza Saleh, Gholam-Hossein. (2008). *The Crisis of Democracy in the First Parliament: Notes of Mirza Fazl-Ali Tabrizi*. Tehran: Negah-e Mo'aser.
- Mojtahedi, Mehdi. (1948). *The Statesmen of Azerbaijan in the Constitutional Era*. No place: Naqsh-e Jahan.
- Nabavi Razavi, Seyyed Meqdad. (2017). *The Hidden History: A Look at the Political Efforts of Azali Activists in Opposing the Qajar Government and Preparing the Constitutional Revolution*. Tehran: Shirazeh.
- Najafi, Mousa. (1997). *The Foundation of Political Philosophy in Iran in the Constitutional Era: The Confluence of Islamic and Iranian Political Thought with the West*. Tehran: University Publication Center.
- Nazem al-Islam Kermani. (2008). *The History of the Awakening of the Iranians*. Tehran: Amir Kabir.
- Ordubadi, Mohammad Saeed. (1993). *Qanli Sana Lar*. Arranged by Boyuk Rasulzadeh. Tehran: Andisheh-ye No.
- Pashazadeh, Gholam-Ali; and Najafi, Nasrollah. (2018). *Tabriz in Terror: Newly Found Documents of Tabriz's Resistance during the Lesser Despotism*. Qom: Logos.
- Pedram, Mohammad-Hassan. (2023a). *Founders and Supporters of the Secret Center of Tabriz*. Tabriz: Aydin.
- Pedram, Mohammad-Hassan. (2023b). *The Consequences of the Failure of Constitutionalism and the Fall of the Qajars in Azerbaijan*. Tabriz: Akhtar.
- Ra'in, Esmail. (1979). *Documents and Memoirs of Heydar Khan Amu Oghli*. Vol. 2. No place, no publisher.
- Rasulzadeh, Mohammad-Amin. (2008). *Reports on the Iranian Constitutional Revolution*. Translated by Rahim Raeis-Nia. Tehran: Shirazeh.
- Razavi, Masoud. (2004). *The Expanse of History: Conversations with Iranian Historians*. Tehran: Hermes.
- Ruštamli, Asif. (2018). *Sattar Khan's Comrade-in-Arms Bayram-Ali Abbaszadeh*. Arranged by Milad Teymourri. Qom: Navid-e Hekmat.
- Sadeghi, Abbas-Qoli; Sadeghi, Behrouz. (2015). *Domestic and Foreign Correspondence of the Era of Mozaffar al-Din Mirza, Crown Prince*. Tehran: Tarikh-e Iran.
- Saeed Beyg, Jamil. (2019). *Letters from Iran: Reports of the Ottoman Government's Agent on the Developments of the Iranian Constitutionalism*. Edited by Ali Arghun Chenar. Translated by Hassan Hazrati. Qom: Logos.
- Salour, Qahraman Mirza. (1995). *The Diary of 'Ayn al-Saltaneh*. Vol. 1. Edited by Masoud Salour and Iraj Afshar. Tehran: Asatir.
- Sardari-Nia, Samad. (1991). *Notables of Azerbaijan*. Vol. 1. Tabriz: Zowqi.
- Sardari-Nia, Samad. (1998). *Azerbaijan, Pioneer of Civil Society*. Tabriz: Hadi.
- Şevket, Fahreddin. (2017). İran. Ankara: Türk Tarih Kurumuürcher.
- Shakeri, Khosrow. (2005). *The Socio-Economic Backgrounds of the Constitutionalist Movement and the Development of Social Democracy*. Tehran: Akhtaran.
- Shakeri, Khosrow; et al. (2009). *The Role of Armenians in Iran's Social Democracy, 1905–1911*. Tehran: Pardis-e Danesh.
- Sheikh al-Islam, Mirza Abd al-Amir. (1977). *Two Documents from the Iranian Constitutional Revolution*. Tehran: Touka.
- Sheikh al-Islami, Javad. (1989). *The Murder of Amir Kabir and Sixteen Other Research Articles*. Tehran: Kayhan.
- Tafreshi Hosseini, Seyyed Ahmad. (2007). *The Newspaper of the News of Constitutionalism and the Iranian Revolution: Notes of Haji Mirza Seyyed Ahmad Tamjid al-Sultan Tafreshi Hosseini*. Edited by Iraj Afshar. Tehran: Amir Kabir.
- Taheri, Abolqasem. (2014). *History of Political Thought in the West*. Tehran: Qomes.
- Taqizadeh, Seyyed Hassan. (1959). *Lecture: Containing a Sketch of the Early History of the Revolution and Constitutionalism of Iran*. Tehran: Bashgah-e Mehrgan.

- Taqizadeh, Seyyed Hassan. (2000). *History of the Iranian Constitutional Revolution*. Edited by Azizollah Al-izadeh. Tehran: Ferdows.
- Taqizadeh, Shokouh; Shahin, Taghi. (2015). *The Ninety-Year History of Azerbaijan*. Translated by Parviz Zare' Shahmarsi. Tabriz: Akhtar.
- Thiqat al-Islam. (1999). *Letters from Thiqat al-Islam (in the Era of Constitutionalism)*. Tehran: Farzan.
- Vijouyei, Mohammad-Baqer. (2007). *The History of the Azerbaijan Revolution and the Tabriz Uprising*. Corrected by Gholamreza Tabatabai Majd. Tehran: Amir Kabir.
- Yazdani, Sohrab. (2009). *The Constitutionalist Fighters (Mujahidin)*. Tehran: Nashr-e Ney.
- Yousefi-Nia, Raziye. (2015). *Notes and Correspondence of the Provincial Association of Azerbaijan in the Years 1328 and 1329*. Tehran: Library, Museum and Documents Center of the Islamic Consultative Assembly.
- Zamani, Safar. (2003). *A History of Iran's Democratic Parties*. Tehran: Vazhe-Ara.
- Zürcher, Erik Jan. (1995), Milli Mücadelede İttihatçılık. 2.baskı. İstanbul: bağlam yayınları.

Periodicals

- *Faryad*. (1 Safar 1325 AH). Issue No. 2.
- *Faryad*. (11 Jumada al-Awwal 1325 AH). Issue No. 13.
- *Faryad*. (12 Rabi' al-Thani 1325 AH). Issue No. 10.
- *Faryad*. (13 Rabi' al-Awwal 1325 AH). Issue No. 7.
- *Faryad*. (15 Safar 1325 AH). Issue No. 3.
- *Faryad*. (18 Jumada al-Awwal 1325 AH). Issue No. 14.
- *Faryad*. (18 Rajab 1325 AH). Issue No. 20.
- *Faryad*. (2 Jumada al-Thani 1325 AH). Issue No. 16.
- *Faryad*. (20 Jumada al-Thani 1325 AH). Issue No. 18.
- *Faryad*. (20 Rabi' al-Awwal 1325 AH). Issue No. 8.
- *Faryad*. (21 Muharram 1325 AH). Issue No. 1.
- *Faryad*. (21 Rabi' al-Thani 1325 AH). Issue No. 11.
- *Faryad*. (22 Safar 1325 AH). Issue No. 4.
- *Faryad*. (25 Jumada al-Awwal 1325 AH). Issue No. 15.
- *Faryad*. (27 Jumada al-Thani 1325 AH). Issue No. 19.
- *Faryad*. (27 Sha'ban 1325 AH). Issue No. 22.
- *Faryad*. (29 Safar 1325 AH). Issue No. 5.
- *Faryad*. (4 Jumada al-Awwal 1325 AH). Issue No. 12.
- *Faryad*. (5 Rabi' al-Thani 1325 AH). Issue No. 9.
- *Faryad*. (6 Dhu al-Qa'dah 1325 AH). Issue No. 23.
- *Faryad*. (7 Rabi' al-Awwal 1325 AH). Issue No. 6.
- *Faryad*. (7 Sha'ban 1325 AH). Issue No. 21.
- *Faryad*. (9 Jumada al-Thani 1325 AH). Issue No. 17.
- *The Newspaper of the Association of Tabriz*. (1994). Vol. 1. Tehran: National Library of the Islamic Republic of Iran.